خراسان شمالی روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

حاصل عمر مرد بازنشسته، یک روزه بر فنا رفت

کلاه‌گشاد ۱۲۰ میلیون تومانی به نام «شما برنده شده اید»

محمد آگاهی

کلاهبرداران حقه قدیمی «شما برنده شده اید» همچنان مثل آب خوردن میلیون ها تومان پول افراد ساده لوح و بی احتیاط را به جیب می زنند. در تازه ترین کلاهبرداری صورت گرفته تحت این عنوان کلاهبرداران موفق به خالی کردن حساب ۱۲۰ میلیون تومانی یک مرد بازنشسته شدند. به گزارش خبرنگار ما طی یک ماه گذشته پرونده های متعدد کلاهبرداری تحت عنوان برنده شدن در سفر عتبات عالیات در دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد تشکیل شده است و کلاهبرداران با سوء استفاده از احساسات مذهبی، جیب افراد بی احتیاط را خالی کرده اند، روزنامه «خراسان شمالی» طی شماره های پیشین خود به برخی از این پرونده ها اشاره کرد. در تازه ترین کلاهبرداری تحت این عنوان، یک مرد بازنشسته ۱۲۰ میلیون تومان دسترنج یک عمرش را از دست داد. وی که قصد داشت با دریافت مبلغ بازنشستگی اش پس از یک عمر مستاجری، صاحب خانه شود فریب حرف های مردی را خورد که در آن سوی خط تلفن به او خبر برنده شدن در قرعه کشی مشتریان خوش حساب همراه اول را داد. با وجود هشدارهای مقامات قضایی مبنی بر این که برای واریز مبلغ هر

> هر گونه تماس تلفنی مبنی بر برنده شدن در مسابقات رادیویی و سفر به عتبات عالیات و تقاضای حضور مقابل دستگاه عابر بانک با هدف کلاهبرداری است

قرعه کشی یا مسابقه ای نیاز نیست فرد برنده پای عابر بانک برود اما این مرد فریب چرب زبانی و حقه کلاهبردار را می‌خورد و با رفتن پای عابر بانک نه تنها کمک هزینه سفر عتبات عالیات را دریافت نمی کند بلکه تمام دارایی اش را که سال ها برای آن زحمت کشیده بود از دست می دهد. گزارش خبرنگار ما حاکی است کلاهبرداران این شیوه قدیمی تحت عنوان کمک هزینه سفر عتبات عالیات ابتدا خواهان واریز مبلغی به حساب ستاد عتبات عالیات می شوند و برای اطمینان طعمه شان حواله جعلی ارائه می دهند و با دادن کدهایی که با ۴ شماره آخر سیم کارت طعمه مطابقت دارد سعی می کنند به این شکل اعتماد او را جلب کنند. این کلاهبرداران به اشکال و ترفندهای مختلف افراد دیگری را برای سوء استفاده از حساب شان شناسایی و با واریز مبالغ کلاهبرداری به حساب آن ها دسترسی قانون را سخت می کنند. بر اساس اعلام مقامات قضایی استان هر گونه تماس تلفنی مبنی بر برنده شدن در مسابقات رادیویی و سفر به عتبات عالیات و تقاضای حضور مقابل دستگاه عابر بانک با هدف کلاهبرداری است و هم استانی ها به هیچ عنوان به این گونه تماس‌ها پاسخ ندهند. بر این اساس برای واریز وجه به حساب افراد احتیاج به حضورشان مقابل دستگاه عابر بانک نیست و تنها داشتن شماره حساب یا کارت کافی است.

۳ بار طلاق به خاطر بی توجهی خانواده

در خانواده ای بزرگ شدم که هر چه می خواستم برایم فراهم می کردند. هر جا می خواستم بروم نه نمی گفتند اما همیشه کمبودی را احساس می کردم. هر وقت می خواستم با مادرم صحبت کنم می گفت کار دارم و با پدرم اصلاً نمی شد حرف زد. حرف هایم توی دلم عقده می شد تا این که با پسر یکی از همسایه ها که چند سال از من بزرگ تر بود دوست شدم. من فقط ۱۰ سال داشتم و قطعاً نیاز من عاطفی بود.او حرف هایم را خوب گوش می داد. خیلی او را دوست و از با او بودن احساس خوبی داشتم. وقتی با او حرف می زدم مشتاق دیدنش بودم و پدر و مادر او هم موقعیت و نوجوانی اش را درک نمی کردند. مشکلات ما مثل هم بود و هر کدام دیگری را آرام می کردیم. با هم راحت بودیم و به هم نیاز شدیدی داشتیم. عکس برای هم می فرستادیم و حرف های عاشقانه می زدیم ولی هیچ وقت در رابطه مان زیاده روی نکردیم تا این که یک روز مادرم از جریان باخبر شد و من را سرزنش کرد. موبایلم را از من گرفت و خودش مرا به مدرسه می برد و می آورد. هیچ وقت اجازه نداشتم تنهایی جایی بروم حتی اگر تنها بودم در را قفل و تلفن را جمع می کرد. طولی نکشید که برایم خواستگار آمد و خانواده ام از ترس آبروی شان من را به کسی دادند که به او هیچ احساسی نداشتم. قلب و روحم از عشق پسر همسایه مان مملو شده بود، تنهایی ام را با او پر کرده بودم و شادی هایم با او تقسیم شده بود، حالا چه طور باید به فرد دیگری فکر می کردم؟ اگر چه خیلی کم سن و سال بودم ولی وابستگی و علاقه ام خارج از تصور بود و متاسفانه به اجبار خانواده ام به عقد اولین خواستگارم در آمدم آن هم از ترس آبروی شان. این گونه رابطه ۲ ساله ام قطع شد و ناامید شدم و من که ۱۲ سال داشتم باید با کسی ازدواج می کردم که دوستش نداشتم و مشخص بود که رفتار من با همسرم چگونه خواهد شد. همسرم به سمت من می آمد ولی من او را پس می زدم. او به من محبت می کرد اما من پرخاش می کردم و هرگز نمی توانستم وجودش را در کنار خودم تحمل کنم. حالم بد بود و همیشه برای دعوا دنبال بهانه بودم. آرامش را هم از او و هم از خودم گرفتم. فکر پسر همسایه مان اجازه نمی داد به همسرم حتی یک لحظه نگاه کنم تا این که صبر همسرم و خانواده اش تمام شد و طلاقم دادند. بعد از طلاق به ارتباط قبلی ام ادامه دادم اما دوباره به اجبار خانواده ام و بدون علاقه ازدواج کردم و باز همان رفتارها و کارها تکرار شد. لجبازتر از چیزی شده بودم که فکر می کردند. با همسر دومم رفتارم بدتر و دعواهای مان شدید تر شده بود و حتی به کتک کاری می رسید، چند ماه بعد از همسر دومم هم جدا شدم. آن زمان ۱۴ سال داشتم و دو بار طلاق گرفته بودم و این اصلاً خوشایند نبود البته بیشتر برای خانواده ام.باز هم رابطه اولم را از سرگرفتم اما خانواده ام مثل قبل مرا محدود کردند و برای ارتباط با او هیچ وسیله ای نداشتم. ماه ها گذشت تا این که برای بار سوم ازدواج کردم و باز همان کارها تکرار شد. نسبت به سنم تجربه زیادی داشتم ولی خسته شده بودم. تا کی ناسازگاری و دعوا تا کی لجبازی؟ مگر من چند سال داشتم؟ مگر حق من لذت از زندگی نبود چرا باید به یک نفر آن قدر وابسته می شدم؟ مشکل از کجا بود؟ مگر خانواده ام مرا دوست نداشتند پس چرا علت

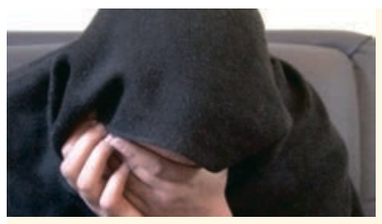

کارم را جویا نمی شدند؟ اگر دوستم داشتند چرا قبل از این که به پسر همسایه مان نیازمند شوم نیازهای واقعی مرا نفهمیدند؟ چرا محبت پدر و مادری را در برآورده کردن نیازهای مادی خلاصه می کردند؟ من برای گفتن حرف های دلم هزینه پرداخت کردم و آن نوجوانی ام بود. اگر خانواده ام با عشق پای حرف هایم می نشستند و مرا می فهمیدند شاید من هم مانند دوستانم برای دانشگاه رفتن برنامه داشتم. خانواده ام همیشه مرا سرزنش می کردند و مقصر می دانستند اما هرگز به رفتارشان نگاه نکردند و مدام تکرار می کردند مگر چه چیزی کم گذاشته بودیم، هر چه خواستی خریدیم، هر جا خواستی رفتی، پس چرا چنین کردی و چنان شدی مگر من چند سال داشتم؟

اخبار حوادث

کمبودهای آتش نشانی بجنورد برای نجات حادثه دیدگان

آتش نشانی بجنورد از کمبود خودروی نردبان و تجهیزات لازم برای مقابله با آتش سوزی تانکر سوخت رنج می برد.بی شک یکی از سازمان هایی که در مواقع بحران همراه با سایر نهادهای امدادی وارد عمل خواهد شد،آتش نشانی است اما بدون داشتن تجهیزات نه تنها موثر نخواهد بود بلکه کارایی خود را از دست می دهد.مدیرعامل سازمان آتش نشانی بجنورد طی دیدار با معاون پدافند غیر عامل کشور در بجنورد در این باره گفت: روزانه تعداد زیادی از مخازن حمل سوخت و مواد شیمیایی در مرکز استان تردد می کنند و این در حالی است که آتش نشانی بجنورد از داشتن امکانات و تجهیزات لازم محروم است.«مجید گریوانی» افزود: مقابله با مخازن مواد شیمیایی که در محدوده شهری دچار حادثه می شوند، امکانات تخصصی را می طلبد که می توان به خودرو و تجهیزات هزمت اشاره کرد.وی اظهار کرد: آتش نشانی لباس های استاندارد برای مقابله با نشت مواد شیمیایی به منظور جلوگیری از نفوذ آن ندارد و در صورت وقوع حادثه آتش نشانان بدون تجهیزات، کارایی نخواهند داشت.گریوانی تصریح کرد: آسیب شناسی زیادی انجام شده و از عبور تانکرها و مخازن مواد شیمیایی و سوختی که از مرکز استان عبور می کنند، اطلاع کافی داریم و ضروری است مسئولان و مدیران استانی و کشوری، در خصوص تجهیز کردن آتش نشانی بجنورد اقدام لازم را انجام دهند.وی خاطرنشان کرد: آتش نشانی بجنورد تنها مرکز استان است که از نبود خودروی بالابر رنج می برد و جزو ۵ مرکز استان کشور است که خودروی نردبان هیدرولیکی ندارد.

«پاور بانک» شارژ زندگی یک زوج را خالی کرد

صدیقی- زوج جوانی به خاطر یک اشتباه و البته با ادامه لجبازی شان به اختلاف برخوردند. اختلاف شان سر گفتن یک جمله اشتباه از سوی زن جوان بود و این گونه درگیری شان با بحث های بیهوده بالا گرفت و سرانجام کارشان به دادگاه خانواده کشید. زن جوان که از علت عصبانیت همسرش متعجب و دلگیر شده بود، گفت: اختلاف ما سر گفتن یک جمله اشتباه توسط من بود که در یک مهمانی پرسیدم«چرا یک نفر با دو موبایل که به هم چسبانده می خواهد از خودش عکس بگیرد». همسرم با شنیدن این جمله جلوی مهمان ها خجالت زده شد و من را احمق خطاب کرد. همسرم در پاسخ به سوالم با کنایه گفت: یکی از آن ها «پاور بانک» است و فرد مورد نظر این کار را کرده تا گوشی اش شارژ تمام نکند. با رفتن مهمان ها سر این ماجرا بحث مان شد و با عصبانیت به او گفتم حالا ندانسته یک حرفی از دهانم پرید چرا باید جلوی دیگران من را خجالت زده و تحقیر کند؟ سر این موضوع همسرم مرا کتک زد و با ناراحتی از خانه بیرون رفت. البته قبل از این با همسرم سر ماجراهای مختلف و نوع حرف زدنم بحث مان شده بود اما مثل این دفعه همسرم را این قدر عصبانی ندیده بودم. از این که همسرم مرا کتک زد به شدت آزرده خاطر شدم و صبح زود با برداشتن وسایلم راهم را به سوی خانه پدرم کج کردم تا تکلیف ام را با او روشن کنم. مادرم بعد از شنیدن ماجرا از زبانم از نوع رفتار بچگانه من و همسرم خیلی عصبانی شد و از من خواست به خانه ام برگردم اما من به خاطر سیلی که از همسرم خورده بودم لج کردم و برنگشتم. او به ناچار با همسرم تماس گرفت و از او خواست دنبالم بیاید اما همسرم پشت تلفن دوباره من را یک آدم دهن لق و ساده اندیش خطاب کرد و گفت: دیگر حوصله دیدن من را ندارد چون من آبروی او را جلوی مهمان ها برده ام. من و همسرم سر هیچ مقابل هم ایستادیم و هر کدام روی حرف های نسنجیده مان که طرف مقابل اول باید عذرخواهی کند پافشاری کردیم تا این که همه راه ها به بن بست خورد. وقتی خانواده ها دیدند من و همسرم کوتاه نمی آییم پیشنهاد دادند به دادگاه خانواده مراجعه کنیم تا شاید با کمک مشاوران بتوانیم بر اختلاف مان فائق آییم و به این کشمکش که به «پاور بانک» معروف شده بود پایان دهیم.

زمین لرزه ۳/۹ ریشتری پیش قلعه را لرزاند

زمین لرزه ای به قدرت ۳/۹ ریشتر صبح روز گذشته پیش قلعه و ۴ روز پیش زمین لرزه ای به قدرت ۳/۵ ریشتر این منطقه را لرزاند. گزارش خبرنگار ما به نقل از مرکز لرزه نگاری کشور حاکی است: زمین لرزه ای ساعت ۸ و ۵۱ دقیقه و ۱۳ ثانیه صبح روز گذشته بخش مانه شهرستان مانه و سملقان را در عمق ۷ کیلومتری لرزاند. کانون این زمین لرزه ۱۰ کیلومتری پیش قلعه، ۲۰ کیلومتری آشخانه و ۲۹ کیلومتری بجنورد اعلام شده است. معموری فرماندار مانه و سملقان گفت: این زمین لرزه خسارتی نداشت. مدیرکل مدیریت بحران استانداری خراسان شمالی گفت: مطابق نظر برخی کارشناسان وقوع زمین لرزه های کوچک سبب تخلیه انرژی درونی زمین می شود و از وقوع زمین لرزه های بزرگ تر پیشگیری می کند اما در مقابل برخی دیگر از کارشناسان این موضوع را رد می کنند. «نظری» افزود: وقوع دو زمین لرزه در یک منطقه باعث می شود حساس شویم و بیشتر از گذشته برای مقابله با بحران آمادگی داشته باشیم. وی همچنین در خصوص آخرین وضعیت زلزله زدگان منطقه سنخواست اظهار کرد: منتظر تضمین نامه بانکی برای تعیین بانک های عامل به منظور پرداخت تسهیلات به زلزله زدگان هستیم. وی خاطرنشان کرد: در مجموع ۱۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان تسهیلات کم بهره برای پرداخت به زلزله زدگان سنخواست مصوب شده است که ۳۰ میلیون تومان برای ساخت منزل جدید و ۱۲ میلیون تومان برای تعمیر منزل به آن هاا عطا خواهد شد.

یکی از دلایل مهم اثر بخش نبودن بعضی از تبلیغات، باور نداشتن تبلیغ توسط سفارش دهنده است.